

کتاب‌های پیشنهادی

نظروگذاری بر خاطرات مهدی نوروزی

ارتش و انقلاب اسلامی روایت‌هایی از یک تعامل

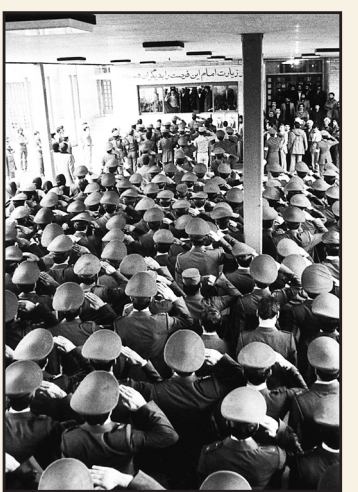
■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات مهدی نوروزی از تعامل افسران ارتش شاهنشاهی با انقلاب اسلامی را در بر دارد. این مجموعه از سوی مؤلف تدوین یافته و انتشارات سوره مهر،

به انتشار آن همت گماشته است. تازنمای ناشر در شرحی بر محتوای کتاب، نکات بی آمده را از نظر دور نداشته است:

«خاطراتی که در این کتاب ذکر شده، فقط بخش کوچکی از فعالیت‌های انقلابی اشخاصی است که در سطوح مختلف ارتش شاهنشاهی، اعم از نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی به جریان افتاد. حوادث مندرج در این نوشتار، مربوط به اتفاقاتی می‌شود که در ایستگاه رادر جزیره کیش، پایگاه هوایی مشهد، ایستگاه رادر بابلسر و مکان‌های مختلفی از تهران رخ داده است. اگر نویسندگان و محققین موفق به بررسی و نگرش حوادث مربوط به انقلاب اسلامی در ارتش شاهنشاهی بشوند، خواهند دید اعتقادات دینی تا چه وسعتی و با چه عمقی در میان افراد نیروهای نظامی گسترش و نفوذ داشته و سبب چه میزان فعالیت‌های انقلابی شده است. در آن صورت نظرات و نگاه تازه‌ای نسبت به ارتش رژیم گذشته پیدا کرده و دلایل اصرار گروه‌ها بر انحلال ارتش در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و تأیید و تعریف حضرت امام(ره) از تش را در ک خواهند کرد. فعالیت‌های شهید سرلشکر گداهدوز و دوستانشان در گارد شاهنشاهی، فعالیت‌های شهید سپهبد صیاد شیرازی و همکارانشان در یگان‌های مختلف نیروی زمینی، فعالیت‌های شهید سرلشگر بابایی و دوستانشان در پایگاه هشتم شکاری اصفهان، فعالیت‌های مرحوم حاج آقا کرمانی، امیر عطاالله بازرگان، امیر حسین مرآتی، شهید سرهنگ شاه‌حسینی،



۱۹ بهمن ۱۳۵۷، مدرسه علوی تهران بیعت همافران با امام خمینی

سرهنگ خدادری، سرهنگ پورانی و دوستانشان در پایگاه سوم شکاری همدان و... حکایت از گستردگی مجاهدات‌ها و تلاش‌های چهره‌های مؤمن و معتقد نظامی در سراسر ارتش شاهنشاهی دارد. مهدی نوروزی راوی در گفت‌وگویی که درباره خاطرات خود داشته است، می‌گوید: در زندگی من اتفاقاتی وجود داشت که هم سرنوشتم را تغییر داد و هم به نظرم برای روایت در تاریخ، باید عنوان شود. در سال ۵۱ هـ که همراه تعدادی از همکارانم، برای گذراندن یک دوره آموزش نظامی، به مدت ۱۷ ماه به انگلستان اعزام شدم. این سفر را در حالی می‌رفتیم که حسن می‌کردیم، نماینده حکومتی هستیم که دروازه تمدن بزرگ بشری است، اما در همان مدت اقامت بود که رفته رفته متوجه شدیم، آنچه در قالب تبلیغات به ما گفته می‌شد، چیزی جز بزرخی تبلیغات پوچ نیست. در واقع نه کسی ما را می‌شناخت و نه اهمیتی به ما می‌داد! این سراسر آغاز یک تحول بزرگ در زندگی ما بود که با نوعی احساس خالی شدن همراه بود. نوروزی ادامه می‌دهد: در برگشت به ایران مأموریت من و یکی از دوستانم، به جزیره کیش اختصاص یافت. در این جزیره بود که در هنگام سفرهای نوروزی خانواده سلطنتی، با رفتارهای غیر متعارف و عجیب آنها آشنا شدیم. در همین حین بود که کتاب‌های دکتر شرعنی و نوارهای سخنرانی آقا علی‌قلی نیز به دست ما می‌رسید و آگاهی ما را نسبت به آنچه در پیرامونمان رخ می‌داد، افزایش می‌داد و رفته رفته به این نتیجه رسیدیم که باید برای نجات کشور کاری کنیم و این مصادف شد با انتقال به مشهد. این همافراننشسته، در ادامه روایتش از خاطراتش در این کتاب می‌گوید: در مشهد با مقام معظم رهبری و شهید اندرزگو آشنا شدم. این آشنایی تا جایی رسید که هفته‌ای دوبار تا پیش از دستگیری ایشان، برای تدریس زبان انگلیسی به آقا به منزلشان در مشهد می‌رفتم. بعد از آن دستگیری رهبری آ نیز به سید علی‌اندرزگو کمک کردیم، تا بازر ترور شاه را وارد ایران و به کیش منتقل کند که در نهایت در ترور او این مأموریت نیز ناکام ماند...».

■ **احمد رضا صدری**

در روزهایی که پر ما گذشت، عالم مجاهد و بصیر حجت‌الاسلام والمسلمین علی رازینی، در حال خدمت به شهادت رسید و آرزوی دیرینه خویش را برآورده یافت. در تکریم سال‌ها جهاد قضایی آن روحانی متعبد، بخش‌هایی از خاطرات وی که طی آن به بازگویی مشاهدات خود از مصاف با گروهک موسوم به مجاهدین خلق پرداخته است را مورد بازخوانی تحلیلی قرار داده‌ایم. روحش شاد و یادش گرمی باد. ■ ■ ■

■ **در کیستی شهید علی رازینی**

در آغاز سخن به هنگام است که طرحی کلی از زندگی قاضی شهید علی رازینی ارائه شود. در این باره بر تازنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی تک‌نگاشته‌ای قرار دارد که مقصود ما را برآورده می‌سازد. در این زندگینامه اجمالی آمده است:

«شهید حجت الاسلام والمسلمین علی رازینی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران است که نقش مهمی در مبارزه با گروه‌های معاند، به‌ویژه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و دیگر جریان‌های ضدانقلاب ایفا نمود. وی در دوران حساس پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت‌های کلیدی در دستگاه قضایی بر عهده داشت و به عنوان یکی از قضات شاخص در رسیدگی به جرایم امنیتی، به‌خصوص محاکمه و مجازات اعضای گروهک منافقین شناخته می‌شد. او از همان سالیان نخست تأسیس نظام اسلامی، وارد فعالیت‌های قضایی شد و در مشاغل مهمی چون: ریاست کل دیوان عدالت اداری، دادستانی، ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح و ریاست داد‌گاه‌ویژه روحانیت حضور داشت. یکی از مهم‌ترین مقاطع فعالیت شهید رازینی، دهه ۶۰ بود. دوره‌ای که سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، به اقدامات تروریستی، بمب‌گذاری و ترور مسئولان جمهوری اسلامی دست می‌زد. در آن سالان ها، منافقین با هدایت مستقیم مسعود رجوی و همکاری با دشمنان خارجی، دست به جنایات گسترده‌ای زدند که از جمله آنها می‌توان به ترور شخصیت‌هایی چون: شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید باهنر و ائمه جمعه کشور اشاره کرد. در همین راستا، دادگاه‌های انقلاب اسلامی نقش مهمی در رسیدگی به پرونده این گروهک تروریستی



انسان نباید از خودش راضی باشد، ولی دست‌کم ما از حمایت‌های ملت رضایت داریم و راهی که طی کرده‌ایم، مسیر افتخارآمیزی بوده است. خداوند به من توفیق داده است، بیش از ۳۰ سال در دستگاه قضایی خدمت کنم و در مسیر اهداف امام و مقام معظم رهبری و نظام اسلامی گام‌هایی برداشته‌ام و ان‌شاءالله بتوانم تا آخرین نفس این‌س راه را ادامه دهم

عاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۸۵۲۳



«مواجهه با منافقین خلق، زمینه‌ها و پیامدها»

در آیین‌ه خاطرات شهید حجت‌الاسلام والمسلمین علی رازینی

از خدا خواستم تا آخرین نفس در خدمت نظام و رهبری باشم

آقای حسینیان، آقای رامندی، آقای پورقناد و... را. جمعی از تربیت‌شدگان این مدرسه، بعدها در پست‌های امنیتی و قضایی مشغول به کار شدند، که افراد مورد اشاره از این قبیل هستند. در سال ۵۷ که انقلاب پیروز شد، شهید قدوسی به تهران آمدند و دادستان کل انقلاب شدند و به دستور امام مدیریت مدرسه حقانی را رها کردند. ایشان مشغول کارهای قضایی شدند و به پرونده‌های قضایی رسیدگی می‌کردند. آن زمان مدرسه شهیدین را به شورایی سه نفره سپردند که من نیز عضوان شورا بودم. در زمستان سال ۵۹ ایشان که به مدرسه آمده بودند، گفتند: کاری است که شما باید چند هفته‌ای به تهران بیاید و آن را انجام دهید و از آنجا، ما را با فعالیت قضایی آشنا کردند...».

■ **مدارک علیه مهدی هاشمی به قدری زیاد بود که از منتظری کاری برنیامد!**

همانگونه که در صدر مقال بدان اشارت رفت، داد‌گاه ویژه روحانیت از نهادهایی بود که شهید رازینی در آن به خدمت پرداخت. وی در مصاحبه فوق، در باب تأسیس این دادگاه و تعزیز و فرودهای مداوم فعالیت آن، روایتی به ترتیب پی آمده دارد:

«پس از آنکه حضرت امام دادگاه انقلاب را تأسیس کردند، بعد از مدتی در یافتند که این دادگاه برای تمام مسائل کافی نیست. برای همین دادگاه دیگری تشکیل شد، به نام داد‌گاه انقلاب ارتش که آقای ری‌شهری مسئول آن بودند و همچنین داد‌گاه‌ویژه روحانیت تشکیل شد که بعدها این دادگاه‌ها فشارهای مرحوم منتظری علیه شاعرلت این کار این بود که ایشان اهل ماشاات بود. امام می‌فرمود: یک روحانی فاسد، اسپیش از یک ساواکی بیشتتر است و اصلا به همین دلیل، این دادگاه را ایجاد کردند. آن زمان که پرونده مهدی هاشمی مطرح شد، چون روحانی و از سوی دیگر شخصی با نفوذی در نظام بود، داد‌گاه انقلاب نتوانسته بود او را محاکمه کند. وجود پرونده مهدی هاشمی دلیلی بود، تا دادگاه ویژه روحانیت دوباره مطرح شود و به پرونده مهدی هاشمی رسیدگی قاطع صورت گیرد. پس از آن مرحوم حاج احمد آقا با من تماس گرفتند و فرمودند: امام چنین نظری دارند و شما بیایدید و مسئولیت داد‌گاه روحانیت را بپذیرید. این کارگاه برقرار شد که از جمله پرونده‌هایی که پیگیری و رسیدگی شد، پرونده مهدی هاشمی بود. این پرونده، پرونده خاصی بود. زیرمهدی هاشمی، از طرف مرحوم

آقای مصطفی‌المطهری، که در آن زمان دادگاه دیگری تشکیل شد، به نام داد‌گاه انقلاب ارتش که آقای ری‌شهری مسئول آن بودند و همچنین داد‌گاه‌ویژه روحانیت تشکیل شد که بعدها این دادگاه‌ها فشارهای مرحوم منتظری علیه شاعرلت این کار این بود که ایشان اهل ماشاات بود. امام می‌فرمود: یک روحانی فاسد، اسپیش از یک ساواکی بیشتتر است و اصلا به همین دلیل، این دادگاه را ایجاد کردند. آن زمان که پرونده مهدی هاشمی مطرح شد، چون روحانی و از سوی دیگر شخصی با نفوذی در نظام بود، داد‌گاه انقلاب نتوانسته بود او را محاکمه کند. وجود پرونده مهدی هاشمی دلیلی بود، تا دادگاه ویژه روحانیت دوباره مطرح شود و به پرونده مهدی هاشمی رسیدگی قاطع صورت گیرد. پس از آن مرحوم حاج احمد آقا با من تماس گرفتند و فرمودند: امام چنین نظری دارند و شما بیایدید و مسئولیت داد‌گاه روحانیت را بپذیرید. این کارگاه برقرار شد که از جمله پرونده‌هایی که پیگیری و رسیدگی شد، پرونده مهدی هاشمی بود. این پرونده، پرونده خاصی بود. زیرمهدی هاشمی، از طرف مرحوم



در کنار آیت‌الله مرعشی تقطانی و شهید عبدالله هاشمی در چهره‌های ازآئینی ۱۳۶۴. شهید علی رازینی

د

اگر منافقین فقط خودشان بودند، شاید نظام با عفو و رافت اسلامی با همه آنها بر خورد می‌کرد، کما اینکه در اثر آموزش‌هایی که صورت گرفت، صدها نفر از آنان توبه کردند. اما وقتی حضرت امام دیدند که دشمن خارجی از اینها سوءاستفاده می‌کند، دستور دادند قاطعانه با این گروه برخورد شود و فرصت اینکه اینها ابزار و جای پای برای دشمن باشند، داده نشود که همین‌گونه هم شد

سوءاستفاده می‌کند، دستور دادند قاطعانه با این گروه برخورد شود و فرصت اینکه اینها ابزار و جای پای برای دشمن باشند، داده نشود که همین‌گونه هم شد

منتظری حمایت می‌شد، ولی به قدری مدارک علیه هاشمی زیاد بود که جای هیچ دفاع و حرف و حدیثی را باقی نمی‌گذاشت...».

■ **در دادگاه تخلّفات جنگ**

دیگرمعرصه فعالیت شهید رازینی، دادگاهی بود که با عنوان تخلّفات جنگ تشکیل شد. عمر این نهاد قضایی اما چندان نپایید و تنها در مقطع پایانی جنگ تحمیلی، به فعالیت پرداخت. چنان که راوی در بازگویی خاطرات خویش از آن، به تسنیم چنین گفته است:

«آن زمان در اواخر جنگ، یکسری بحث‌هایی در نیروهای مطرح مسلح بود که به اصطلاح می‌گفتند صدام با نیروهایی که عقب‌نشینی می‌کنند، قاطع برخورد می‌کند و ما در این‌باره ضعیف عمل می‌کنیم! این موضوع آسیب‌شناسی و خدمت امام صحرایی، اما لازم شد که این دادگاه‌ها، به شکلی که با احکام اسلامی مطابقت دارد تشکیل شود که مادر مرکز استان‌ها دفاثر قضایی را تشکیل ندھیم و در داخل خود مناطق باشد که خیلی سریع به مسائل رسیدگی شود. یک بند دیگر هم در رابطه با اینکه کسانی که به جنگ لطمه وارد می‌کنند، حکمشان چیست؟ این موضوع در قانون ایهاماتی داشت و امام نظری داده بودند و این دوبند باعث شد، دستگاه قضایی در رسیدگی به مسائل جنگ، فعال شود و برخورد سریع‌تر و جدی‌تر پیدا کند. ما در حال آماده کردن این پندها بودیم که جنگ تمام شد و دیگر اینکه ما هیچ عقب‌نشینی پس از آن داشتیم که بخواهیم دادگاهی در موردش برگزار کنیم. موضوع بعدی که در آن زمان اتفاق افتاد، هجوم منافقین به داخل ایران به عنوان حمله نظامی بود که در همه دنیا قانونی است که نظامیان متخاصم در این دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شوند، یعنی اگر عراقی یا اهل کشور دیگری به ایران حمله کنند، اگر قرار باشد محاکمه شوند، در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شوند. طبق آن قاعده، در دادگاه‌های نظامی براساس همان قانون تخلّفات زمان جنگ که امام ابلاغ کرده بودند، عمل کردیم. تعدادی از این افراد که بیشتر سرباز بودند و در جبهه‌ها اسیر شده و پس از آن به منافقین پیوسته بودند، در این دادگاه‌ها محاکمه شدند...».

■ **امام و رفع موانع نظام اسلامی در آستانه رحلت**

راوی در بادی بیان خاطرات خود از مواجهه نظام اسلامی با منافقین، کلید زند این امر را از مصادیق دوران‌دیشی و آینده‌نگری امام خمینی می‌داندند. وی در تحلیل واپسین اقدامات رهبر انقلاب اسلامی، در راستای حراست از نظام، در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس تصریح کرده است: «یکی از روشن‌بینی‌های حضرت امام، برخورد قاطع با منافقین بود، موضوعی که به یک معجزه شباهت داشت. در افسانه‌ها وجود دارد که یک زمانی تورانیان به ایران حمله کرده بودند و ایران هم می‌خواست تا جلوی آنها را بگیرد. حکمیت شد که یک نفر تبری را بر تپاب کند و نقطه اصابت آن تیر، با زمین مز ایران باشد و از باقی صفر فظن آن تیر، آرش کمانگیر سرباز فداکاری بود که به خودش فشار زیادی آورد تا تیسر را به دورترین نقطه تپاب کند و بخاطر همین فشار هم، جان خود را از دست داد. این افسانه، افسانه زیبایی است که یک سرباز می‌تواند جان خودش را فدا کند، برای اینکه یک وجب از خاک وطنش به هدر نرود. او در حقیقت، جاننش را در آن تیر گذاشت! امام در اواخر عمرشان که به بیماری مبتلا بودند و احساس می‌کردند زمان گداللهه نزدیک است، چند تیر از همین جنس بر تپاب کردند که هر کدام از آنها برای نجات کشور استراتژیک بود. یکی حکم سلمان رشدی بود، یکی شروع به تهاجم فرهنگی علیه ره اسلامی مقدسات ما کرده بود و یک نویسنده، مسائل اسلام را به نحو خاصی زیر سؤال برد. امام یک توده‌نی به اینها زد و جوامع اسلامی، حتی علمای اهل سنت هم با ایشان همراه شدند و این کار موجب شد، تا آمریکا و انگلیس و کشورهای دیگر بفهمند که از این طریق به جایی نمی‌رسند و شر به خودشان بازمی‌گردد. مسئله بازنگری قانون اساسی، یکی دیگر از این کارها بود و امام در ماه‌های پایان عمر خودشان، قانون اساسی را ترمیم کردند و اصلاحاتی انجام دادند، چون قانون اساسی ممکن بود کشش مسائل بعدی کشور را

روزنامه جوان | شماره ۱۲۲۹

نداشته باشد. مثلاً مسئله شورای رهبری را حل کردند، چون رهبری شورایی مسلماً در آن تلاطم و بحران‌هایی که خارجی‌ها ایجاد می‌کردند، موفق نبود. مسئله قائم مقامی رهبری و فردی که نشان داده بود نمی‌تواند کشور را اداره کند، حل شد و امام او را کنار گذاشتند. یکی دیگر از این مسائل، مسئله منافقین بود که ایشان با تیزبینی فهمیدند، منافقین دست‌بردار نیستند و می‌دانستند قدرت‌های خارجی هم آنان را به عنوان یک ابزار شناخته‌اند و به عنوان ستون پنجم از این جماعت استفاده خواهند کرد...».

■ **علت محاکمه مجدد منافقین در زندان اتهامات جدید آنان بود**

در سالیان اخیر، سخن پرآکنی در باب محاکمه و اعدام شماری از منافقین در زندان در سال ۶۷، به یکی از محورهای اصلی تبلیغات رسانه‌های ضد انقلاب مبدل شده است. شهید رازینی در بازنمایی این رویداد، به نکات ذیل اشارت برده است:

«مسئله خیلی پیچیده نیست. یک عده جرمی مرتکب می‌شوند، محاکمه می‌شوند و به زندان می‌روند. زمانی هم که در زندان هستند، باز جرمی مرتکب می‌شوند یا بعضی از جرائمی که قبلاً انجام داده اند، بر ملا می‌شود. مثلاً فردی بخاطر یک جرم به دو سال حبس محکوم می‌شود اما در طول این مدت مشخص می‌شود که در یک ترور هم نقش داشته است. اگر منافقین فقط خودشان بودند، شاید نظام با عفو و رافت اسلامی با آنها برخورد می‌کرد، کما اینکه در اثر آموزش‌هایی که صورت گرفت، صدها نفر از آنان توبه کردند اما وقتی حضرت امام می‌بینند دشمن خارجی از اینها سوءاستفاده می‌کند، دستور دادند قاطعانه با این گروه برخورد شود و فرصت اینکه اینها ابزار و جای پای برای دشمن باشند، داده نشد. من در این دادگاه‌ها حضور نداشتم، ولی به هر حال کسانی که آن زمان در زندان بودند جرائم جدیدی داشتند، دوباره محاکمه شدند. ما باید برای امام دعا کنیم که از همان روزهای اول که منافقین قیام کردند، ملاحظه توصیه افراد رسو را نکردند. امام به طور قاطع فرمودند: احکام شرع باید اجرا شود... و احکام شرع اجرا شد. این را چند ده نفر از آنها در همان سال‌های انقلاب برخورد نمی‌شد و اعدام نمی‌شدند، فرزندان بسیاری از خانواده‌ها به دام منافقین می‌افتادند. علت نامنی امروز افغانستان، عراق و سوریه این است که آنجا امام نثارند، دادگاه انقلاب ندارند، اگر امام و دادگاه انقلاب داشتند، در عراق وقتی صدام سقوط کرد، ظرف ده هفته ام می‌شد...».

■ **قضات دادگاه منافقین در سال ۶۷ به شکل اجماعی رأی می‌داند**

تخوم کار قضات دادگاه‌های منافقین در سال ۶۷ نیز از دیگر محورهای تبلیغات دشمنان نظام اسلامی به شمار می‌رود. شهید رازینی به رغم آن که در این دادگاه‌ها حضور نداشت، اطلاعات خود درباره شکل تصمیم‌گیری قضات آن را، اینگونه در اختیار خبرنگار تسنیم نهاد: «مسئولان خلیل در این قضیه، آقایان: نیری، رئیس، پورمحمدی، اشراقی و ری‌شهری بودند که از آنها باید سؤال شود زیرا من در متن قضیه نبودم. ولی اجمالاً باید بگویم که اگر امام نیا بود بی‌حساب و کتاب حکم اعدام بدهد، آنطور که ضد انقلاب می‌گویند، دیگر نیازی نبود که هیئت سفه‌ره تشکیل دهد. در همان زندان اعلام می‌شد که اینها را اعدام کنند. حکام شرع پرونده هم اقرده خاصی که از طرف مراجع بالا انتخاب شوند، نبودند، بلکه همان حاکم شرعی بودند که از قبل برای شهرهای دیگر انتخاب شده بودند. کسی که فرضاً رئیس دادگاه انقلاب سمنان یا مشهد بود و دادستان انقلاب همان شهر که به شکل عادی مسئولیت دارد، به اضافه نماینده اطلاعات آن شهر، هیئت سفه‌ره را تشکیل می‌دادند که گاهی جلسات محاکمه حدود یک ساعت طول می‌کشید و عده‌ای را محکوم به اعدام می‌کرد و عده‌ای را خیر. با اینکه دادگاه‌های انقلاب در آن زمان یک نفر بود، این دادگاه‌ها به شکل جمعی مدیریت و رسیدگی‌ها به شکل اجماعی انجام می‌شد. است. با اینکه می‌توانستند با اکثریت آرا تصمیم‌گیری کنند (یعنی دو رأی از سه رأی)، ولی احکام با سه‌آی اجرایی می‌شد، یعنی آنقدر با هم بحث می‌کردند که در نهایت سه نفر به اتحاد رأی می‌دهد. به هر حال رسیدگی‌ها در سال ۶۷، عادلانه و کاملاًطبق قانون بوده است...».

■ **مسیری که طی کرده‌ایم، افتخارآمیز بوده است**

و سرانجام شهید حجت الاسلام والمسلمین علی رازینی پس از سال‌ها خدمت در دستگاه قضایی و به جان خریدن شمات و ترور شخص و شخصیت خویش از سوی ضدانقلاب، به راه طی شده خویش افتخار می‌کند و امید می‌برد تا پایان حیات، در پی‌مودن آن ثابت بماند. بگذرد که نهایتاً به تحقق انجادمید او را به دوستان شهیدش ملحق ساخت:

«سنان نباید از خودش راضی باشد، ولی ما از مسئولان و از حمایت‌های ملت راضی هستیم و به هر حال مسیری که طی کردیم، مسیر افتخارآمیزی بوده است. در عملکرد ما با هدایت حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نکاتی وجود دارد که انسان می‌تواند به آن افتخار کند. من شاکر هستم که خداوند به من توفیق خدمت داده است و بیش از ۳۰ سال خدمت کرده‌ام و در مسیر اهداف امام و مقام معظم رهبری و انقلاب و نظام گام‌هایی برداشتم و ان‌شاءالله خدا توفیق بدهد که بتوانم تا آخرین نفس همین راه را ادامه دهم...».